

# ارزش‌یابی توصیفی، از نظریه تا عمل!

رویا ابطحی / سرگروه آموزشی استان اصفهان



پرونده

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۲  
شماره‌ی ۷  
فروردین ۸۹

۲۲

مثبت‌شان، باعث نگرانی شده که نکند طرح درست اجرا نشود! ولی انگار توقعشان از آموزگاران بالاتر از حدی است که باید باشد. مدام می‌گویند: «برخی از آموزگاران بها نمی‌دهند، هنوز روش‌های فعال را بلد نیستند، پوشه‌های کارشان ناقص است، یا بالعکس، بعضی از آموزگاران تلاش می‌کنند، طرح را خوب اجرا کرده‌اند و ایده‌های خوبی دارند و ... غافل از این‌که ساختارها باید اصلاح شود. آموزگار ما باید روش‌های فعال تدریس و قوانین طراحی سؤال را خوب بداند تا بتواند طرح را اجرا کند.»  
آموزگاران بیشتر گله‌مند هستند: «صحبت‌های مدرس سال گذشته با امسال متفاوت است. انگار هنوز خودشان هم به وحدت رویه نرسیده‌اند، مگر می‌شود با این حجم زیاد دانش‌آموزان، این طرح را اجرا کرد، فضا برای اجرای آزمون‌های عملکردی مناسب نیست، کاش کلاس‌هایی برای آموزش طراحی آزمون‌های عملکردی می‌گذاشتند و یا برعکس، طرح

چندی است به هر محیط آموزشی که پا می‌گذاریم، بحث ارزش‌یابی توصیفی داغ است. جالب است! مانند زمانی که شخصی در جمعی بیمار می‌شود و همه، چه متخصص و چه غیر متخصص، برای او نسخه می‌پیچند. همه اظهار نظر می‌کنند، چه آن‌ها که مجری طرح هستند یا مطالعه دارند، چه آن‌ها که فقط اسمی از آن شنیده‌اند. یاد زمانی می‌افتم که کتاب‌های علوم ابتدایی تغییر کرده بود. حال و هوای مدارس مانند امروز بود. مانند امروز، هر کس توپ را در زمین حریف می‌انداخت. آن قدر نوشتن چک لیست را بزرگ کرده بودیم که فراموش شده بود چک لیست ابزار است، نه هدف.  
پای صحبت‌های مدرسان، آموزگاران و اولیا می‌نشینم. جمعی راضی هستند و خوشنود و جمعی گله‌مند و نگران.  
مدرسان اعتقاد عجیبی به طرح دارند و شاید همین نگرش

# بچه‌ها تازه چه خبر؟

مریم طهماسبی دزفولی  
آموزگار پایه‌ی چهارم، دبستان هفتم آذر منطقه‌ی ۹



همیشه از خودم می‌پرسیدم، وقتی بالای تخته‌ی کلاس علاوه بر درج تاریخ، رویداد و واقعه‌ی مهمی را که در آن روز اتفاق افتاده است، می‌نویسم و برای بچه‌ها در آن باره صحبت می‌کنم، آن‌ها تا چه اندازه متوجه حرف‌های من می‌شوند؟ و چگونه می‌شود آن‌ها را با وقایع روزانه آشنا و مأوس کرد؟ تا این که یک روز تصمیم گرفتم، از آن‌ها بخواهم خبرهایی را که می‌شوند، برایم بنویسند و در کلاس بازگو کنند.

اوایل، تاریخ و روزهای خاصی را در نظر می‌گرفتم، مثل اعیاد، ایام سوگاری و دهه‌ی فجر. بچه‌ها با شور و علاقه، اخباری را که در آن روز از تلویزیون پخش می‌شد، گوش می‌کردند و با ذکر ساعت و شبکه‌ی پخش خبر، در کلاس می‌خواندند. من هم یک ساعت از درس بخوانیم را به این کار اختصاص می‌دادم. بعد از این که شور و شوق بچه‌ها و علاقه‌مندی آن‌ها را به این کار دیدم، تصمیم گرفتم در پایان هر هفته، به عنوان تکلیف، ورقه‌ای به نام: «بچه‌ها تازه چه خبر؟» به آن‌ها بدهم تا خبرهای روز جمعه را برایم بنویسند.

خبرها متنوع و با موضوعات متفاوت بودند؛ از خبرهای ورزشی گرفته تا اخبار علمی، فرهنگی و حتی خبرهای مربوط به بورس کالا، قیمت طلا و حوادث. بدین ترتیب هر روز، کلی از اخبار و وقایع ایران و جهان آگاه می‌شدیم.

این کار علاوه بر انشائونویسی، به روان‌خوانی و زبان‌آموزی دانش‌آموزان کمک می‌کرد و دقت آن‌ها را بالا می‌برد. هم‌چنین، باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان ابتدایی برای گوش دادن به اخبار می‌شود و فرهنگ گوش دادن به اخبار را نیز در خانواده‌ها تقویت می‌کند.

نگوییم در طرح ارزش‌یابی توصیفی باید جمعیت کلاس‌ها به ۲۵ نفر برسد، بگوییم با وجود ۴۰ دانش‌آموز، چگونه می‌توان ارزش‌یابی توصیفی را اجرا کرد

خوبی است، من این طوری بیشتر از قبل دانش‌آموزان را می‌شناسم و به تفاوت‌های فردی‌شان دقیق می‌شوم، بهتر از قبل به انتظارات آموزشی دست می‌یابم.»

اولیا هم بیشتر دنبال نمره می‌گردند و نگران‌اند. جالب است که همه‌ی آنان اذعان می‌دارند فرزندشان حساس است و آموزگار باید مراقب سلامت روان آن‌ها باشد؛ غافل از آن که این طرح ضامن بهداشت روانی فرزندشان است.

ولی آیا به راستی باید به دنبال مقصر بگردیم یا یافتن راهکار؟ چرا ما که باید اسوه‌ی صبر و شکیبایی باشیم، این همه عجله داریم که این طرح به ناگاه به بار بنشیند. یاد جمله‌ای از **وین هارلن** در کتاب «نگرشی نو در آموزش علوم تجربی» می‌افتم که: «۱۶ سال زمان لازم است تا تغییرات در آموزش و جامعه جایگزین شوند.»

چرا از مدرسان و آموزگاران که متولی این طرح هستند، نمی‌خواهیم که ما را در بومی‌سازی طرح کمک کنند. نگوییم در طرح توصیفی باید جمعیت کلاس‌ها به ۲۵ نفر برسد، بگوییم با وجود ۴۰ دانش‌آموز، چگونه می‌توان طرح ارزش‌یابی توصیفی را اجرا کرد. نگذاریم پوشه‌ها به انبار و خزانه‌داری اوراق تبدیل شود و ابزارها به اهداف. بیاییم با وجود مشکلاتی که در مدارس وجود دارد و با نوع فرهنگی که داریم، پوشه کارهایی را طراحی کنیم که هم ابزار مناسبی برای سنجش باشند و هم نگرش منفی در آموزگاران ایجاد نکنند. هم‌چنین، جلسات آموزش خانواده را به بررسی طرح ارزش‌یابی توصیفی اختصاص دهیم. باید و نبایدها را کاهش دهیم، هر جا محدودیت زیاد ایجاد کرده‌ایم، در بچه‌ها به روی خلاقیت‌ها بسته‌ایم. بیایید به پیشواز استقبال طرح برویم. در نظر داشته باشیم، دانش‌آموز سال سوم دبستان ما که از سال اول زیر پوشش طرح بوده، دو سال از آموزگار پایه‌ی سوم خود که در تابستان به طور فشرده دوره می‌بیند، جلوتر است.

سخن آخر: نه تنها آرامش خاطر مسافر کوچولوی یادگیری را فراهم سازیم، بلکه آرامش خاطر مدرسان، آموزگاران و اولیا را نیز در نظر داشته باشیم.